



«بیایید همه وکلا را بکشیم»



دکتر سید مهدی رضوی فرد
وکیل پایه یک دادگستری
مدرس دانشگاه

«بیایید اولین کاری که می‌کنیم این باشد که همه وکلا را بکشیم» (ویلیام شکسپیر)

Dick: The first thing we do, let's kill all the lawyers.

این باوری جدی است که نوابغ هنرمندان گاه زودتر از تحلیل‌گران و جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران شرایط را پیش‌بینی می‌کنند. مانند برخی جان‌داران که بدون هرگونه ابزاری زودتر از انسان وقوع زلزله یا برخی فجایع طبیعی را پیش‌بینی می‌کنند. بشر در تاریخ بارها این را تجربه کرده است. داستایفسکی از نمونه‌های برجسته جهان مدرن است و در ادبیات خودمان نیز حافظ و سعدی را می‌توان نمونه آورد که شرایط جامعه را به خوبی درک و تحلیل می‌کردند و می‌توانستند برخی اتفاقات آینده را پیش‌بینی کنند. این جمله که عنوان این نوشتار شد جمله مشهوری است که شکسپیر در نمایش‌نامه «هنری ششم» آورده است.

در این پرده دیک قصاب، یکی از شورشیان که ادعای سرکردگی بخشی از عوام را دارد، فریاد می‌زند:

«اولین کاری که می‌کنیم آن است که همه وکلا را می‌کشیم».



البته این شعار به وکلا منحصر نمی‌شود. جک کید، که واقعاً یک شخصیت تاریخی است که در قرن ۱۵ میلادی علیه حکومت هنری ششم قیام می‌کند و در این نمایش‌نامه به عنوان رهبر یک جنبش شورشی در انگلستان است و به شدت علیه فساد در حکومت معترض است، در این قسمت از نمایش‌نامه، با گردآوری گروهی از کشاورزان و طبقات پایین جامعه، علیه حکومت مرکزی قیام می‌کند.

اما اگر خشم دیک قصاب دامن‌گیر وکلا می‌شود، شعارهای جک کید، قضات و کل نظام قضایی را هم شامل می‌شود. این جملات شاهکار طبعاً از شکسپیر است:

Cade: Nay, that I mean to do. Is not this a lamentable thing, that of the skin of an innocent lamb should be made parchment? that parchment, being scribbled o'er, should undo a man? Some say the bee stings: but I say, 'tis the bee's wax; for I did but seal once to a thing, and I was never mine own man since.

« آیا این مایه تأسف نیست که پوست بره‌ای بی‌گناه، صفحه کاغذ و نوشت ابزار می‌شود و به سرعت خط خطی و سیاه شود (مکتوب شود)، و آن گاه یک مرد (انسان) را (با حکم اعدام) نابود کند. برخی می‌گویند که زنبور نیش می‌زند. اما من می‌گویم: این موم زنبور است که نیش می‌زند. (از آن زمان که با موم زنبور حکم مرگ ما را امضا کردند).^۱ و از آن زمان که اولین نامه را با آن مهر کردم، دیگر آدم خودم نبودم.»

تلخ آن است که در ادامه یک منشی (دادگاه) به دست شورشیان می‌افتد و جک کید می‌گوید:

Smith: The clerk of Chatham: he can write and read and cast accmpt.

Cade: O monstrous! ... he is a conjuror I am sorry , of mine honour; unless I find him guilty, he shall not die.

I say! hang him with his pen and ink -horn about his neck.

۱. جمله داخل پرانتز است افزوده نگارنده است.



«این افتخار من خواهد بود که تا او را گناه‌کار نشناسم نخواهم مرد.
و سپس فریاد می‌زند:

این دیو شیطانی را با قلم و دواتش از گردن بیاویزید و نوک قلم را بر گردنش بزنید.»

این نماد شورش علیه فساد اجتماعی و قضایی است که این چنین در نمایش‌نامه تاریخی شکسپیر نمود می‌یابد و مردم و شورشیان را ضد نظام فاسد اجتماعی برمی‌آشوبد.^۲

واقع آن است که این اتفاقی است که بدون نماینده فریادگر در بین مردم و بدون شورشی آشکار و تا این میزان اغراق شده، در سطح جامعه ایران در سال‌های اخیر قابل مشاهده است. آمار وکیل کشی و ضرب و جرح وکلا در سال‌های گذشته آن قدر هست که هر هفته و هر ماه خبری از این دست می‌خوانیم و می‌شنویم.

در این چند سال حاکمیت و سران قدرت به شکلی تأمل برانگیز به این امر بی‌اعتنایی کردند و کمتر در این رابطه سخنی گفته شد و کمتر در راستای حمایت از وکلا و تأمین امنیت وکلا اقدامی انجام شد. در حالی که از سوی شخصیت‌های بلند مرتبه، بسیار علیه وکلا شنیده‌ایم و می‌شنویم و در فیلم و سریال‌ها می‌بینیم که وکلا نماد فساد و دروغ و حق و ناحق کردن‌اند. البته من از طنز و نقد اجتماعی در هر سطحی دفاع می‌کنم و به آزادی بیان در سطح بالایی باور دارم.

اما اینها را گفتم تا یادمان باشد که این به وکلا منحصر نمی‌ماند، چنان که نماند. متأسفانه در ماه گذشته خبر ترور دو قاضی بلندپایه، بمب خبری شد و از قضا بسیاری آگاهانه سکوت کردند.

این نوشته تاریخی شکسپیر که می‌تواند برای ما رنگ پیش‌بینی داشته باشد جدی است، و باید جدی‌اش بگیریم.

مطابق آمارهای رسمی طی ۸ سال گذشته (از سال ۱۳۹۶)، حدود ۵۴ فقره قتل

۲. تا جایی که نگارنده می‌داند این نمایش‌نامه به فارسی ترجمه نشده است.



وکیل صورت گرفته و متاسفانه وکلای بسیاری مورد حمله و خشونت قرار گرفته‌اند و خدارا شکر زنده مانده‌اند. افزایش این آمار زمانی رخ می‌نماید که بدانیم ۳۹ فقره از این قتل‌ها فقط از سال ۱۴۰۰ به بعد صورت گرفته است. آماري که مرا عجيب ياد شعارهاي ديک قصاب در نمايش نامه شکسپير می‌اندازد و به نظر می‌رسد در سطوح بالا چندان از آن سخن نمی‌رود. این زنگ خطری است که نمایان‌گر یک آشوب نهفته در دل جامعه است. آشوب و خشونت‌ی که ابتدا نسبت به وکلا و روحانیون بی‌گناه و هیچ‌کاره آسیب می‌زند و در سطح بعدی گریبان قضاات را می‌گیرد و بعد به جان حکومت می‌افتد. البته که برای امنیت وکلا باید تدبیری اندیشیده شود اما در نگاهی کلانتر باید بجد با فساد به تقابل برخواست. مامشات با فساد به نفع هیچ‌کس نیست؛ حتی خود فاسدانی که از آن بهره می‌برند.

منابع:

Shakespeare. William. The Works of William Shakespeare. Edited by William George Clark & William Aldis Wright. The Project Gutenberg eBook of The Works of William Shakespeare . Cambridge Edition. Vol. ۵ of ۹/// www.gutenberg.org

<https://scoda.org/>

